

دکتر یحیی جلیلود

وکیل پایه یک دادگستری

## ریشه‌یابی تراکم دعاوی

### ضعف سیستم اطلاع‌رسانی عمومی در زمینه مقررات لازم‌الاجرا

درمورد علل و ریشه تراکم دعاوی در تشکیلات قضایی قبلاً مقالاتی از نویسنده در نشریه و مجله حقوقی کانون وکلای دادگستری مرکز منتشر شده:

- مداخله افراد فاقد تخصص در تدوین قراردادهای خصوصی\*
- موضعگیری قوه قضاییه در زمینه حل و فصل دعاوی\*\*
- تبعات اجرای قانون دادگاه‌های عمومی مصوب ۷۳/۴/۵\*\*\*
- معضل اجرای احکام مدنی\*\*\*\*
- شعب تشخیص دیوانعالی کشور، معضلات قانونی، نارسای‌ها\*\*\*\*\*

به عنوان پنج مورد از علل اساسی تراکم دعاوی در بخش‌های مختلف دستگاه قضایی مورد بحث و تحلیل قرار گرفت و در هر مورد پیشنهادات اصلاحی نیز مطرح شد. اینک:

«ضعف سیستم اطلاع‌رسانی عمومی در زمینه مقررات لازم‌الاجرا» را به عنوان یکی دیگر از علل عمده تراکم دعاوی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

\* - نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز شماره ۱۸.

\*\* - نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز شماره ۱۹.

\*\*\* - مجله کانون وکلای دادگستری شماره ۱۱ سال ۸۲.

\*\*\*\* - نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز شماره ۲۴.

\*\*\*\*\* - مجله کانون وکلای دادگستری مرکز شماره ۱۵ و ۱۶ سال ۸۳.

### الف) اهمیت اطلاع از مقررات لازم‌الاجرا و پیشینه قانونی آن

موضوع ابلاغ حکم شارع و مقنن ضرورتی عقلی و منطقی است و به حکم قاعده «قُبِحَ عَقَابُ بَلَايَانِ» نمی‌توان اجرای قاعده‌ای را از مکلف توقع داشت یا وی را به علت عدم اجرای قاعده‌ای مؤاخذه کرده مگر اینکه قبلاً مفاد مصوبه اعم از قانون، تصویب‌نامه، آیین‌نامه، بخشنامه و به طور کلی ضابطه لازم‌الاجرا به وی ابلاغ شده باشد.

نخستین گامی که در این خصوص برداشته شد در ششمین دوره مجلس شورای ملی بود که به پیشنهاد برخی از نمایندگان مقرر گردید صورت مشروح مذاکرات مجلس طبع و نشر گردد و به این ترتیب مجله‌ای تحت عنوان: «مجله مذاکرات مجلس» به وجود آمد. این مجله در ابتدا به صورتی مرتب و منظم و به طرز مرغوب منتشر می‌شد. لیکن به تدریج نظم و انتشار آن مختل گشت و از تعداد نسخ آن کاسته شد به طوری که فقط افراد محدودی آن هم اغلب چند هفته پس از هر جلسه می‌توانستند به آن دسترسی پیدا کنند.

در چهاردهم شوال ۱۳۲۸ قمری برابر ۲۸ مهرماه ۱۲۸۹ شمسی به موجب ماده واحده‌ای دولت مکلف شد در پایتخت روزنامه‌ای حاوی:

دستخط‌های سلطنتی و احکام وزارتخانه‌ها و عزل و نصب مأمورین و «قوانین موضوعه» منتشر سازد و این روزنامه با نام: «مجله رسمی وزارت دادگستری» منتشر شد.

در این خصوص در سال ۱۳۰۷ متحدالمالی از طرف مرحوم داور وزیر وقت دادگستری صادر شده که در خور توجه است و متن آن ذیلاً درج می‌شود:

متحدالمال؛ راجع به انتشار قوانین در مجله رسمی:

نظر به مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

**ماده اول** - برای انتشار قوانین روزنامه رسمی عبارت خواهد بود از مجله

رسمی وزارت عدلیه.

**ماده دوم** - هرگاه در قانونی که وضع می‌شود ترتیب خاصی برای موعد اجرای

آن مقرر نشده باشد باید در تهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از

انقضای مدت مزبور به اضافه یک روز برای هر شش فرسخ مسافت تا تهران، به موقع اجرا گذاشته شود و احدی نمی‌تواند پس از انقضای مواعد مزبور به عدم اطلاع به قانون استناد کند.

**ماده سوم** - تاریخ لازم‌الاجرا شدن قوانین مربوط به امور قضایی که قبل از انتشار قانون مدنی وضع شده کمافی‌السابق همان تاریخ ابلاغ به محاکم عدلیه خواهد بود و نسبت به قوانین دیگر تاریخ لازم‌الاجرا بودن همان تاریخ ابلاغ به ادارات مربوطه است مگر اینکه در خود قانون تاریخ دیگری برای اجرا معین است.

#### داور - وزیر عدلیه

با عنایت به ماده واحده مصوب ۱۲۸۹ و متحدالمآل مورخ ۱۳۰۷ مرحوم داور در ارتباط با آن و با استفاده از متن متحدالمآل مزبور می‌توان نتیجه گرفت:

**اولاً** - قبل از تصویب و انتشار قانون مدنی، قوانین و مقررات مربوط به امور دادگستری و وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف صرفاً به محاکم عدلیه و وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه آنها ابلاغ می‌شده و عامه مردم در جریان این قبیل قوانین نبوده‌اند!

**ثانیاً** - در مورد تاریخ شروع به اجرای مصوبات، بین مجریان و افراد مردم اختلافاتی رخ می‌داده و بعضی از قوانین و مصوبات به علت عدم انتشار صورت محرمانه و سری به خود می‌گرفته و مردم به عذر عدم اطلاع به تکالیف قانونی خود در آن موارد عمل نمی‌کرده و آن را لازم‌الاتباع نمی‌دانسته‌اند و حتی این وضع کم و بیش تا قبل از تأسیس روزنامه رسمی ادامه داشته.

در سال ۱۳۲۳ به موجب تبصره ۳ قانون بودجه مجلس شورای ملی، موضوع انتشار روزنامه رسمی به مجلس محول شد و هیأت رییس مجلس شورای ملی موظف گردید روزنامه رسمی را حاوی: کلیه قوانین مصوبه و مقررات و انتصابات و صورتجلسه‌های مجلس شورای ملی به طور یومیه منتشر سازد و اولین شماره آن با نام: «روزنامه رسمی کشور ایران» در تاریخ یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۲۳ با مقدمه‌ای به قلم مرحوم سیدمحمد صادق طباطبایی ریاست وقت مجلس شورای ملی انتشار یافت.

در سال ۱۳۳۸ به موجب تبصره ۱۸ قانون بودجه کل کشور، روزنامه رسمی از

مجلس شورای ملی به وزارت دادگستری منتقل شد و به موجب تبصره ۴۴ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ به وزارت دادگستری اجاره داده شد که «روزنامه رسمی کشور» را به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید اداره کند و بالاخره به موجب قانون مصوب ۱۳۵۱/۳/۲۶ روزنامه رسمی به شرکت سهامی تبدیل شد و با تصویب اساسنامه آن در کمیسیون‌های مجلسین شورای ملی و سنا و ابلاغ آن به وزارت دادگستری در ۱۳۵۳/۱/۲۵، کماکان به انتشار و فعالیت خود ادامه می‌دهد.

### ب) تکالیف و اختیارات روزنامه رسمی در امر اطلاع‌رسانی قانونی:

طبق اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:  
مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و «روزنامه رسمی» برای اطلاع عموم منتشر شود...  
و حسب ماده ۱ قانون مدنی:

مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ کند و دستور انتشار آن را صادر کند و «روزنامه رسمی» موظف است ظرف ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر کند.

**تبصره:** در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی «روزنامه رسمی» موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر کند.

و بموجب ماده ۲ قانون مدنی:

انتشار قوانین باید در «روزنامه رسمی» به عمل آید.

لذا با توجه به مقررات قانون اساسی و قانون مدنی به شرح فوق کلیه مذاکرات و مصوبات مجلس شورای اسلامی و نیز مقررات و عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد. (موضوع ماده ۹ قانون مدنی)

- مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام،

- مصوبات هیأت وزیران اعم از تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها،
  - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی،
  - مصوبات شورای عالی اداری،
  - آیین‌نامه‌های اجرایی مصوب ریاست قوه قضاییه،
  - مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران،
  - آرا و حُدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.
- که به مفهوم کلی مقررات قابل اجرا محسوب می‌شوند منحصراً باید در روزنامه رسمی منتشر شوند و پس از انتشار در روزنامه رسمی و انقضای مهلت قانونی، رسمیت و قدرت اجرایی می‌یابند و درج و نشر آنها در سایر جراید از این حیث مؤثر نخواهد بود. علاوه از مقررات قابل اجرای نهادهای قانونی کشور به شرح بالا که لازم‌الاجرا شدن آنها در گرو انتشار در روزنامه رسمی است.
- اعلان جهت صدور حکم موت فرضی در مورد غایب مفقودالامر موضوع ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی،
  - انتشار مفاد دادخواست در مورد خواننده مجهول‌المکان موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی،
  - احضار متهم در فرضی که ابلاغ ممکن نشود موضوع ماده ۱۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری،
  - انتشار مفاد وصیت‌نامه در صورت عدم توافق بین ورثه موضوع بند ۸ آیین‌نامه ماده ۲۹۹ قانون امور حبسی،
  - انتشار اعلام لازم به دارنده مجهول سند تجاری موضوع مواد ۳۲۴ و ۳۲۷ قانون تجارت،
  - انتشار خلاصه نامه شرکت موضوع ماده ۶ نظامنامه قانون تجارت،
  - انتشار مفاد حکم قطعی راجع به اعتراض به علامت ثبت شده موضوع ماده ۱۹ قانون ثبت علایم،
  - انتشار آگهی دعوت هیأت بستانکاران موضوع ماده ۲۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی،

- انتشار آگهی موضوع ثبت اختراع حسب ماده ۳۲ آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم،
- انتشار خلاصه نامه شرکت خارجی یا شعبه آن موضوع ماده ۲۰ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها،
- انتشار اساسنامه و مراننامه گروهها پس از صدور پروانه موضوع ماده ۱۱ قانون فعالیت احزاب و جمعیتها...
- نیز لزوماً باید در روزنامه رسمی بعمل آید تا اثر قانونی بر آنها بار شود.

### ج) امکانات و گستره فعالیت روزنامه رسمی در امر اطلاع رسانی قانونی

با اینکه مسؤولیت و وظیفه سنگین انتشار و ابلاغ قوانین و مصوبات نهادهای قانونگزاری کشور کلاً و منحصراً بانضمام انتشار آگهیها و تصمیمات و اقدامات مهم دیگری که به آنها اشاره رفت به عهده روزنامه رسمی است و سابقه انتشار این روزنامه به حدود پنجاه سال قبل می رسد و سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است و بیم ضرر و توقف آن عملاً منتفی است لیکن به جرأت می توان گفت دامنه فعالیت آن بسیار محدود و شهرت و معروفیت آن در جامعه در پایین ترین سطح قرار دارد و شاید بتوان گفت گمنام ترین روزنامه در بین روزنامه های سابق و لاحق است به نحوی که با وصف قدمت پنجاه ساله، اکثریت افراد جامعه ایرانی حتی با نام این تنها روزنامه رسمی کشور نیز آشنا نیستند.

به عبارت واضح تر علیرغم وظیفه خطیر و اختیارات وسیع و انحصاری این روزنامه در طبع و نشر مصوبات نهادهای قانونگزاری کشور و برخلاف مسؤولیت مهم و دشواری که در امر تبلیغ مصوبات نمایندگان ملت و سایر مجامع صلاحیتدار، به عهده این روزنامه محول شده عملاً هیچ گونه تلاش و تبلیغی که متضمن ابلاغ مقررات قابل اجرا به آحاد مردم و اطلاع رسانی قانونی به آنها باشد در این جریده رسمی و قدیمی به چشم نمی خورد و به صورت یک اداره دولتی کوچک صرفاً طرف مراجعه کسانی است که بالضرورة به آگهیها و انتشارات آن نیاز دارند!

صحیح است که امکان ابلاغ مصوبات مجامع قانونگزاری و اطلاع‌رسانی قانونی به یکایک افراد و اشخاص مکلف جامعه کاری دشوار است و حسب ماده ۲ قانون مدنی:

قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراست. و فرض قانونگذار این است که پانزده روز پس از انتشار همه مردم کشور که تکلیف به رعایت و اجرای آن دارند مطلع از قانون محسوب می‌شوند و قانون در مورد آنها لازم‌الاجراست. لکن منطقاً باید بین فرض قانونی و واقعیت خارجی ارتباط و تناسبی موجود باشد و مکانیسم و وسیله‌ای که برای ابلاغ قانون در نظر گرفته شده در دسترس عموم باشد به نحوی که لاقلاً اکثریت مکلفان از مفاد و مضمون مصوبه‌ای که باید در مورد آنها اجرا شود مطلع شوند. در حالی که روزنامه رسمی کشور که تنها جریده و وسیله انتشار و ابلاغ مصوبات مجامع قانونگزاری است در چارچوب یک اداره و شرکت کوچک دولتی تنها در تهران منتشر می‌شود و گستره انتشار آن در تهران نیز محدود به شرکت کوچک واقع در بخشی از ساختمان قوه قضاییه در ضلع جنوبی پارک شهر است و حتی در دهه‌های روزنامه‌فروشی‌ها در تهران نیز توزیع نمی‌شود و فقط برای وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکت‌های دولتی مربوطه یا اشخاصی که مشترک روزنامه مزبور هستند با پست ارسال می‌شود یا کسانی که شخصاً به جتهی از جهات بدان نیاز دارند مراجعه و نسخه مورد نیاز را دریافت می‌دارند! و به طریق اولی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها و روستاهای دیگر سراسر کشور هیچ وسیله‌ای برای دسترسی عامه مردم به روزنامه رسمی و اطلاع از چگونگی قوانین و مصوبات وجود ندارد. درج و نشر مصوبات مزبور در سایر جراید نیز بر سبیل مصلحت صنفی و تجاری و حرفه‌ای و به صورت پراکنده و مقطعی صورت می‌گیرد و از رسمیت و اعتبار و استمرار برخوردار نیست!

در چنین حالتی باید گفت فرض مقنن در ماده دوم قانون مدنی دایر به اینکه قوانین ۱۵ روز پس از انتشار (به اطلاع مردم سراسر کشور رسیده) و در سراسر کشور لازم‌الاجراست، فرضی بعید و خلاف واقعیت‌های جاری و عملی به شرح بالاست و در حقیقت قوای مجریه و قضاییه بدون اینکه مصوبات مراجع قانونگزاری به مکلفان ابلاغ

شده باشد و بدون رعایت قاعده عقلی «فُبح عقاب بلایان» به اجرای مقررات و مصوبات مزبور مبادرت می‌ورزند و در چنین وضعی اگر شخصی به عذر عدم ابلاغ و اطلاع از قانونی که در مورد او اجرا می‌شود متعذر گردد قابل توجه خواهد بود و تعجیبی ندارد.

#### د) مقایسه اجمالی نحوه ابلاغ قوانین در ایران و سایر جوامع

قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهایی که ذکر شد برنامه زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملت است و جمیع ابعاد و جوانب زندگی خصوصی اشخاص از تولد تا پایان حیات و عملکرد نهادهای دولتی و عمومی را در سطوح داخلی و خارجی دربرمی‌گیرد. در کشورهای مرفعی نیز مصوبات مراجع قانونگزاری از همین اهمیت و خصوصیت برخوردار است با این تفاوت که جوامع مزبور با درک اهمیت قوانین، پرتیراژترین جراید و قوی‌ترین و پرمخاطب‌ترین وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو و تلویزیون و غیره را برای اطلاع‌رسانی قانونی و ارتقاء سطح آگاهی مردم در این زمینه به کار گرفته‌اند و در بعضی کشورها حتی کانال‌هایی از شبکه تلویزیون را به پخش جریان محاکمات اختصاص داده‌اند که در طول ساعات شب و روز علی‌الدوام فیلم محاکمات دادگاه‌ها و مدافعات وکلای دادگستری و دادستان‌ها را پخش می‌کنند و از این طریق به طور بسیار مؤثر و غیرمستقیم آگاهی جامعه را به حقوق و تکالیف خود ارتقاء می‌بخشند. حاصل این عملکرد افزایش روزافزون ارزش و اعتبار قوانین در دیدگاه عمومی و قانون‌گرایی و قانون‌مداری جامعه و کاهش میزان اختلافات - و ارتکاب جرایم و رواج و رونق امنیت و کار و اقتصاد پویاست که در فرهنگ پیشرفته از آن به تمدن تعبیر می‌شود و جوامع مرفعی بدان می‌بالند.

در کشور ما با وصف افزایش چشمگیر جمعیت و توسعه روزافزون روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و... در سطوح داخلی و بین‌المللی و پیشرفت فوق‌العاده وسایل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، اینترنت و... در زمینه امر مهم و حیاتی ابلاغ قوانین و مصوبات که حاصل مبارزات ملت و تراوش



اندیشه و عقیده‌نمایندگان و دستورالعمل زندگی آنهاست، همان ابزار و وسیله‌ای - به کار می‌رو که در پنجاه سال پیش متناسب با امکانات ابتدایی زمان کاربرد داشته است. آنها هم در حدی بسیار ناقص و نارسا که به رفع تکلیف بیشتر شباهت دارد تا ابلاغ صحیح قوانین از طریق روزنامه!

ناگفته پیداست که نتیجه این وضع جز کاهش ارزش و اعتبار قوانین و تمایل به نقض آن و تنزل فرهنگ حقوقی جامعه و تراکم اختلافات و دعاوی و پرونده‌های حقوقی و کیفری نخواهد بود و طبیعی است که دشواری و سنگینی بار این مسئولیت را بیش از قوای مجریه و مقننه، بخش‌های مختلف قوه قضاییه تحمل خواهند کرد واقعیتی که با آن روبرو هستیم و هر روز بیش از پیش احساس می‌شود.

#### ه) مقایسه تبلیغ قوانین با بعضی موضوعات داخلی،

ورزش یکی از موضوعات داخلی است که با سلامت و تقویت جسم و روح جامعه ارتباط مستقیم دارد و آثار آن در رقابت‌های بین‌المللی نیز ظاهر می‌شود. توجه به مقوله ورزش گرچه کافی نیست لکن در وسایل ارتباط جمعی تأثیر و انعکاس مستقیم داشته که از آن جمله می‌توان به ایجاد شبکه خاص ورزش در تلویزیون و توسعه و افزایش تعداد مجلات و جراید ورزشی و برنامه‌های رادیو تلویزیونی اشاره کرد. فرآیند این اقدامات بدون تردید موجب گرایش مردم خصوصاً طبقه جوان به ورزش و ارتقاء آگاهی عمومی در زمینه مسایل ورزشی است. به طوری که در جریان برگزاری مسابقات مختلف ورزشی، دیده و شنیده می‌شود تماشاچیان به نقد و بررسی عملکرد ورزشکاران و حتی داوران مسابقه می‌پردازند.

در اینکه تبلیغ برنامه‌های ورزش مفید و ضروری است هیچ بحثی نیست، لیکن بحث و سؤال ما این است که در زمینه ابلاغ صحیح و تبلیغ قوانین و سایر مصوبات مراجع صلاحیتدار که با جزییات زندگی آحاد مردم و موضوع صلاحیت و وظایف و اختیارات قوه قضاییه ارتباط مستقیم دارد و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه به منزله بهداشت روانی و رفتاری جامعه و عامل اساسی در تنظیم روابط اجتماعی و تقلیل اختلافات

است، از سوی اولیای سابق و لاحق قوه قضاییه و نمایندگان این قوه در صدا و سیما چه اقدام مؤثر و چشمگیری صورت گرفته است؟

در آغاز قرن بیست و یکم و در شرایطی که در سایه توسعه و پیشرفت لحظه به لحظه وسایل ارتباط جمعی قاره‌ها و کشورهای مختلف موجود در سطح آن با همه وسعت و جمعیت و تنوع و تفاوت در حد یک دهکده کوچک جهانی به هم نزدیک شده است و در هر زمان و مکانی ارتباط بین جهانیان به سهولت میسر است، در مورد امر بسیار مهم ابلاغ قوانین به اتباع کشور، باید از همان روزنامه رسمی پنجاه سال قبل که فاقد ابتدایی‌ترین گستره تبلیغی است و به شرحی که گذشت حتی خواص نظیر قضات و وکلا و حقوقدانان دیگر نیز در سطح کشور به سهولت به آن دسترسی ندارند و مردم عادی حتی با نام آن هم آشنا نیستند استفاده کنیم؟

و با این ترتیب آیا فرض قانونی پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون مدنی در قبال مردم شهرها و روستاهای کشور که هیچ گونه دسترسی به روزنامه رسمی ندارند، توجیه شرعی و قانونی دارد؟

### (ز) اجرای قوانین بخشی از فرهنگ عمومی

دیده و شنیده شده که در اغلب جوامع اروپایی که در مقایسه با کشور ما از سابقه و فرهنگ طولانی نیز برخوردار نیستند، وقتی راننده اتومبیلی حتی چند دسیمتر به خط عابرین پیاده تجاوز کند یا بی‌جهت بوق اتومبیل را به صد درآورد قبل از اقدام و تذکر پلیس، همه نگاه‌های شماتت‌آمیز عابرین و مجاورین به سوی او برمی‌گردد و همگی به صورت هماهنگ با نگاه‌هایی که حاکی از تعجب و تنفر است راننده متخلف را سرزنش و در واقع مجازات می‌کنند.

این واکنش جمعی بازتاب تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم و مستمر و مؤثر قوانین در بین مردم و جایگزین شدن اعتبار و احترام قانون در ذهن و ضمیر آنان است که موجب می‌شود صرف‌نظر از ضمانت اجرای قانونی از قبیل جریمه و مجازات‌های دیگر، وجدان عمومی جامعه نقض قانون را تحمل نکند و عکس‌العمل نشان دهد.

لکن در جامعه ما که تمدن ایرانی اسلامی آن ریشه در اعصار و قرون دارد و کتب دانشمندان ما چون رازی و ابن‌سینا و دیگران صدها سال روشن‌گر راه دانش‌پژوهان جوامع غربی بوده است، زیر پا گذاشتن مقرراتی از این دست عادت‌ی متعارف و پیش‌پا افتاده است و با کمال تأسف گاهی شنیده می‌شود که بعضی افراد به عبور از چند چراغ قرمز در برابر چشم دیگران دور از چشم پلیس، مباحثات می‌کنند!! این مثال‌های کوچک از واقعیت‌های بزرگ و بزرگ‌تر در سطوح دیگر زندگی اجتماعی حکایت می‌کند که نمونه‌های دردناک و تکان‌دهنده آن را هر از گاهی در جراید و رادیو و تلویزیون می‌خوانیم، می‌شنویم و می‌بینیم.

برای ریشه‌یابی این طرز تلقی تأسف بار ناگزیریم باز هم مواد ۲ و ۳ قانون مدنی را که از حیث ایجاز و کمال از جمله اسناد افتخار هنر قانون‌نگاری ایرانی است از نظر بگذرانیم:

**ماده ۲-** قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراست...

**ماده ۳-** انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

مستفاد از دو ماده فوق به وضوح این است که لازم‌الاجرا بودن قوانین در سراسر کشور پس از ۱۵ روز از انتشار روزنامه رسمی، منوط و موقوف و مستلزم انتشار روزنامه رسمی در سراسر کشور است. ضرورت شرعی و عقلی که هیچ‌گاه واقعیت عملی نیافته و با توضیحاتی که در مورد جایگاه و عملکرد و دامنه انتشار روزنامه رسمی در این مقاله داده شد قوانین و مصوبات مراجع تقنین در واقع بدون ابلاغ به مکلفان به مرحله اجرا درمی‌آید، بعلاوه علیرغم بندهای ۳ و ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی که:

نظارت بر حسن اجرای قوانین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف خاص قوه قضاییه به حساب آمده با وصف گسترش چشمگیر و روزافزون وسایل ارتباط جمعی در چند دهه‌ای که از تصویب مواد ۲ و ۳ قانون مدنی گذشته است، استفاده مؤثر و اقدامات آگاهی‌بخش چندانی در زمینه قوانین از طرف قوه قضاییه، از طریق مطبوعات و بویژه رادیو و تلویزیون که با توسعه شبکه برق، در سراسر

کشور کاربرد و قابلیت استفاده دارد صورت نگرفته است لذا:

چون از نظر آسیب شناسی و تأمین بهداشت روانی و رفتاری جامعه، آگاهی از قوانین و احترام نسبت به آن از عوامل اصلی حسن اجرای قوانین و پیشگیری از ارتکاب جرایم و نقض عهد و عامل مؤثر در ایفای تکالیف قانونی افراد است ضرورت دارد از طرف اولیای محترم قوه قضاییه و نمایندگان این قوه در صدا و سیما ترتیبی اتخاذ شود که:

**اولاً:** روزنامه رسمی کشور که پیشینه‌ای پنجاه ساله دارد، از لاک یک اداره کوچک دولتی در زاویه پارک شهر که صرفاً به «چاپ» قوانین و تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی و آگهی‌های مختلف سرگرم است و هیچ فعالیت انتشاراتی به مفهوم توزیع و ابلاغ قوانین ندارد، خارج شده و به عنوان ارگان رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران با توسعه دوایر و ایجاد نمایندگی‌ها و بخش‌های لازم توزیع و تبلیغ در سراسر کشور و خارج از کشور به رسالت قانونی و حقیقی خود در خصوص ابلاغ قوانین و اطلاع رسانی صحیح قانونی به اتباع داخل و خارج کشور قیام و اقدام کند.

**ثانیاً:** با پیشنهاد تصویب ماده واحده حداقل دو مورد از روزنامه‌های کثیرالانتشار که تیراژ و گستره وسیعی در داخل و خارج کشور دارند مکلف شوند صفحه یا صفحاتی از روزنامه را به درج و بحث مصوبات لازم‌الاجرای مراجع قانونگزاری اختصاص دهند.

**ثالثاً و مهمتر از اینها:** شبکه‌ها و کانال‌هایی از رادیو و تلویزیون به برنامه «قانون» تخصیص یابد که علاوه از ابلاغ قوانین و اطلاع رسانی قانونی به عموم، با تهیه و پخش برنامه‌ها و فیلم‌ها و نمایش نامه‌ها و سریال‌های ویژه با موضوعات حقوقی و قانونمداری موجبات ارتقاء فرهنگ حقوقی جامعه و احترام به قانون را فراهم کنند تا با اعمال مستمر این تدابیر و تدابیر مؤثر دیگری که متخصصان امر تبلیغ بدانها وقوف دارند در آینده نه چندان دور اجرای قوانین به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی جلوه کند و صرف نظر از ضمانت اجرای مقنن، آحاد مردم اجرای قوانین را فریضه بدانند و به قانون‌گرایی و قانونمداری بیالند نه به شانه خالی کردن از آن. در چنین فضایی مطمئناً مظاهر و مصادیق نقض عهد و ارتکاب جرایم و تراکم دعاوی و اختلافات حقوقی و

کیفری به حداقل ممکن تقلیل خواهد یافت و می‌توان گفت نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیشگیری از وقوع جرایم و اختلافات زبانبار در حال انجام است. بهداشت رفتاری که جوامع دیگر، با تفکر و تدبیر و تداوم بدان دست یافته‌اند و ما برای دستیابی به آن شایسته‌تریم.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی